

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2020S4D15SH1M4 ISSN-P: 2538-

تحلیل فقهی و حقوقی ماده ۲۷۸ قانون مدنی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

دکتر مرتضی چیت سازیان^۱

استادیار دانشگاه شهید مطهری (ره)

چکیده

در بحث ایفای تعهد در خصوص شرایط اختصاصی درباره وقتی که مورد تعهد، تسلیم عین معین باشد، صدر ماده ۲۷۸ ق.م مقرر داشته: «اگر موضوع تعهد عین معین باشد تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد، موجب براءت متعهد می شود اگرچه کسر و نقصان داشته باشد...»؛ یعنی هر گاه موضوع تعهد، عین معین باشد، به دلیل اینکه متعهد، تسلیم مال معین با کیفیت مشخصی را به عهده گرفته، برای تأدیه آن با مشکل خاصی مواجه نمی شود و در این صورت با تسلیم مال مورد تعهد به متعهدله در همان وضعیتی که در هنگام تسلیم دارد حتی اگر کسر و نقصانی پیدا کرده باشد، ذمه اش بری می گردد. لذا با توجه موضوع ماده فوق الذکر که به تسلیم عین معین در مقام ایفای تعهد می پردازد؛ در این مقاله به بررسی نحوه ایفای تعهد به تسلیم عین معین می پردازد. اهمیت تحلیل ماده ۲۸۷، با بررسی محتوا و مبانی این ماده که محل بروز اختلافاتی میان آرای فقها و همچنین نظرات حقوق دانان در این مسائل شده است آشکار می شود.

واژگان کلیدی: ایفای تعهد، موضوع تعهد، شرایط اختصاصی، عین معین

۲۱۵



بخش اول: صور مختلف تسلیم عین معین مورد تعهد

هر گاه مورد تعهد عین معین باشد، تسلیم عین معین مورد تعهد در مقام ایفاء، به دو صورت ممکن و محتمل است. صورت اول هنگامی است که عین معین، فروخته شده باشد و یا به واسطه عقد معوض دیگری تعهد به انتقال آن به وجود آمده باشد. و صورت دوم، مربوط به زمانی است که عین معین که باید تسلیم شود، به نحو امانت نزد متعهد قرار داد؛ مانند مال ودیعه، مال عاریه و یا عین مستأجره. در ادامه به بیان شرایط اختصاصی هر یک از این دو صورت ایفاء تعهد پرداخته می‌شود.

الف) صورت اول تسلیم عین معین مورد تعهد

هر گاه عین معین مورد تعهد، فروخته شده باشد و یا به واسطه عقد معوض دیگری به متعهدله تعلق گرفته باشد، متعهد ملتزم است که موضوع تعهد را تسلیم نماید و به محض تسلیم، ایفاء تعهد تحقق می‌یابد. در این خصوص ماده ۲۷۸ ق.م.حکم اینکه اگر موضوع تعهدی که متعهد باید آن را تسلیم کند قبل از تسلیم تلف شد، تلف بر عهده چه کسی می‌باشد را بیان نکرده است و لذا برخی از اساتید محترم حقوق هم از این جهت به این ماده انتقاد کرده‌اند. (لنگرودی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۳۵) بنابراین در این باره باید به ماده ۳۸۷ قانون مدنی در باب بیع رجوع کرد که بر اساس حدیث نبوی «کل مبیع تلف قبل قبضه فهو من مال بايعه» مقرر داشته: «اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بايع تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد، مگر اینکه بايع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در این صورت تلف از مال مشتری خواهد بود». اما در فرض مذکور یعنی وقتی که موضوع تعهد، تسلیم عین معین است که فروخته شده و قبل از تسلیم به خریدار کاملاً تلف نگردیده بلکه کسر و نقصان پیدا کرده، این پرسش نیز مطرح است که آیا در این رابطه می‌توان قاعده مذکور در صدر ماده ۲۷۸ ق.م.حاکم دانست؟

در پاسخ به این پرسش به نظر می‌رسد ماده ۲۷۸ ق.م.صرفاً در صدد بیان حکم فرضی است که عین معین به صورت امانی نزد متعهد بوده ولی حکم عین معینی که فروخته شده و



فروشنده ملتزم به تسلیم آن گردیده را قواعد حاکم بر بیع بیان می‌نماید و در پاسخ پرسش مطروحه نیز می‌بایستی به ماده ۳۸۸ ق.م رجوع نموده که می‌گوید: «اگر قبل از تسلیم در مبیع نقصی حاصل شود مشتری حق خواهد داشت که معامله را فسخ نماید».^۱ به عبارت دیگر چون در این باره در احکام بیع حکم صریح داریم باید حکم صریح را در مورد بیع به کار بریم و نباید به قواعد عمومی مراجعه شود، مگر اینکه قانون صراحت نداشته باشد. به هر حال از بیان حکم مذکور در این ماده - به صورت مطلق - در مورد مبیعی که قبل از تسلیم در آن نقصی حاصل شده استنباط می‌شود که ماده مذکور در این رابطه ید متعهد را ید غیر امانی فرض نموده است و بنابراین او را مسئول کسر و نقصان مورد نظر دانسته، چه نقص، ناشی از تعدی و تفریط او باشد و چه بدون تعدی و تفریط این نقص به وجود آمده باشد. در این رابطه فقها نیز در احکام قبض مبیع، بایع را ضامن مبیع قبل از قبض مشتری دانسته‌اند.^۲ (خمينی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۳۸۰)

ب) صورت دوم تسلیم عین معین مورد تعهد

ماده ۲۷۸ ق.م در خصوص ایفای تعهدی که موضوع آن عین معین است و نزد متعهد امانت می‌باشد، شرایط اختصاصی مختلفی را مطرح نموده که در ذیل به شرح آن پرداخته می‌شود:

اولاً با بیان حکم مذکور در بخشی از این ماده قانونی که مقرر داشته: «... مشروط بر آنکه کسر و نقصان از تعدی یا تفریط متعهد ناشی نشده باشد...»، معلوم می‌شود که مسئولیت متعهدی که عین معینی را تعهد به تسلیمش نموده است، مسئولیت امین فرض کرده و آن هم امینی که با ارتکاب تعدی و تفریط بدون اثر در کسر و نقصان عین معین، صفت امین بودنش زائل نمی‌شود. بنا بر این فرض، تسلیم عین معین مورد تعهد به صاحبش همان گونه که هست،

^۱ برخی از اساتید معتقدند ماده ۳۸۸ کاملاً با ماده ۲۷۸ ق.م مغایر است و پیشنهاد حذف آن را داده‌اند (لنگرودی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۳۷)

^۲ عبارت ایشان این چنین است: «من احکام القبض، انتقال ضمان المبیع الی مشتری القابض، اذ یکون قبل القبض علی الباع».





موجب برائت ذمه متعهد می‌شود، اگرچه کسر و نقصانی در آن ایجاد شده باشد، البته به شرطی که کسر و نقصان ناشی از تعدی و تفریط متعهد نباشد.

ثانیاً بر اصل امین بودن متعهد به شرحی که گذشت، استثنائاتی وارد شده و آن هم مواردی است که بنا بر تصریح قانون مدنی، اساساً متعهد ضامن مورد تعهد است؛ یعنی در این استثنائات متعهد مسئول هر گونه عیب و نقصی است که بر عین متعلق به غیر قبل از تسلیم وارد شود، بدون اینکه مرتکب تعدی یا تفریط شده باشد؛ مانند عاریه مضمونه که حکم آن در ماده ۶۴۲ ق.م.ا بیان شده و یا عاریه طلا و نقره که موضوع ماده ۶۴۴ ق.م.ا می‌باشد.

ثالثاً اگر به جز مواردی که بنا بر تصریح قانون مدنی متعهد اساساً ضامن عین معین مورد تعهد است در سایر وضعیت‌ها که ید متعهد، ید امانی است کسر و نقصانی ناشی از تعدی و تفریط او در عین معین ایجاد شود، از زمان تعدی یا تفریط منجر به کسر و نقصان، صفت امین بودنش زائل و ید او به ید ضمانی تبدیل می‌گردد.

رابعاً اگر زمان تسلیم مورد تعهد فرارسیده باشد، (مثلاً مدت پیش‌بینی شده در عقد اجاره به اتمام رسیده و عین مستأجره را مالک مطالبه نموده و یا مالی را که مالک برای مدتی معین به مستعیر عاریه داده و با انقضای آن مدت رد آن را خواسته) و با این وجود متعهد در تسلیم عین معین تأخیر نماید و یا از تحویل آن امتناع ورزد یا منکر وجود مال نزد خود شود، از زمان تأخیر، امتناع و یا انکار ضامن مال محسوب و مسئول هر گونه عیب و نقص وارده به آن خواهد بود، هرچند عیب و نقص مذکور مربوط به تقصیر او نباشد. در این باره ذیل ماده ۲۷۸ ق.م.مقرر داشته: «... اگر متعهد با انقضای اجل و مطالبه، تأخیر در تسلیم نموده باشد مسئول هر کسر و نقصان خواهد بود اگرچه کسر و نقصان مربوط به تقصیر شخص متعهد نباشد». (به ماده ۶۳۱ نیز رجوع شود). در بیان علت این امر گفته‌اند: «طبق ذیل ماده ۳۰۸ ق.م.ا اثبات ید بر مال غیر

^۱ ماده ۶۴۲: اگر بر مستعیر شرط ضمان شده باشد مسئول هر کسر و نقصانی خواهد بود اگرچه مربوط به عمل او نباشد.

^۲ ماده ۶۴۴: در عاریه طلا و نقره اعم از مسکوک و غیر مسکوک مستعیر ضامن است، هرچند شرط ضمان نشده و تفریط یا تعدی هم نکرده باشد.

بدون مجوز هم در حکم غصب است و متصرف در اثر تأخیر در تسلیم در حکم غاصب می- باشد و غاصب طبق ماده ۳۱۵ ق.م.سئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارده شده، هرچند مستند به فعل او نباشد. طبق ماده ۳۱۰ ق.م. در مواردی که متعهد منکر وجود مال نزد خود گردد در حکم غاصب است. (امامی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۱۸) با این توضیحات این نکته قابل ذکر است که در عقود امانی انقضای مدت در صورتی موجب زوال صفت امین بودن متعهد امین می شود که متعهدله مورد تعهد را مطالبه نماید و متعهد با وجود امکان رد از رد و تسلیم آن امتناع کند؛ زیرا مواد ۲۷۸ و ۶۳۱ قانون مدنی مطالبه متعهد را بعد از انقضای مدت به عنوان شرط تبدیل امین به ضامن فرض نموده‌اند.^۱ به عنوان مثال اگر مدت در عقد اجاره منقضی شود و مالک مطالبه مورد اجاره را ننماید و مستأجر هم نسبت به رد آن اقدامی نکند، صفت امین بودن وی زائل نمی شود، هرچند برابر مفاد ماده ۴۹۴ قانون مدنی عقد اجاره به محض انقضای مدت برطرف می شود. گفته‌اند دلیل این امر این است که در اثر عقد، مال با اجازه مالک به دست متصرف درآمده و پس از انحلال عقد مادام که از طرف مالک مطالبه آن نشود اجازه ادامه خواهد داشت، اگرچه اجازه تصرف تحت یکی از عناوین معینه پیدایش یافته است (امامی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۶۸) البته این نظر که امین از زمان مطالبه مالک مال مورد امانت و امتناع او از تحویل، ضامن مال می شود، مخالفینی هم دارد، که معتقدند (مثلاً در اجاره) به محض انقضای مدت اجاره، عین از حالت امانت مالکانه خارج و متصرف آن ضامن مال می شود؛ چون امانت مالکانه که مبتنی بر اجازه تصرف مالک است در اثر یکی از عناوین حقوقی (مثلاً اجاره) به وجود آمده و پس از آن عنوان امانت مالکانه نیز زائل می گردد؛ زیرا وجود کلی در خارج به وجود افراد آن است و کلی نمی تواند خارج از وجود افراد باقی بماند (امامی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۶۸) عبارت برخی از فقهای که بر این اعتقادند، در باب اجاره به این شرح است: «العین المستأجره امانه فی ید المستأجر فی مدة الاجاره (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۸۳)، لان بعد المدة غیر مأذون فیه فیضمنها». (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲: ۲) یعنی عین

^۱ در ماده ۲۷۸ آمده است: «... با انقضای اجل و مطالبه ...» و ماده ۶۳۱ نیز مسئولیت متعهد را از تاریخ مطالبه مفروض دانسته و مقرر داشته: «... در صورت استحقاق مالک به استرداد از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف ...»



مستأجره در دست مستأجر در مدت اجاره امانت است (به محض انقضای مدت اجاره از حالت امانی بودن خارج می‌شود)، زیرا پس از انقضای مدت اجاره متصرف نسبت به عین غیر مأذون است و بنابراین ضامن عین می‌شود.

بخش دوم: حکم ماده ۲۷۸ قانون مدنی و تعارض آن با موادی دیگر از این قانون

قانونگذار قانون مدنی به موجب مفاد بخشی از مواد ۲۷۸ و ۶۳۱ در این حکم، که تأخیر در تسلیم مال مورد امانت با انقضای اجل، در صورت مطالبه مالک موجب تبدیل ید امانی امین به ضمانی می‌شود، صراحت دارد و لذا در این خصوص تردیدی وجود ندارد، اما بعضی از شارحین قانون مدنی، در آثار تعدی و تفریط متعهد نسبت به عین مورد تعهد در فرضی که تعدی و تفریط موجب بروز عیب و نقص در مال شود یا اینکه تعدی و تفریط اثری در عیب و نقص وارده بر مال نداشته باشد، قائل به نوعی تعارض در بخشی از ماده ۲۷۸ با موادی دیگر از این قانون، مانند مواد ۴۹۳، ۶۱۴، ۶۳۱ و ۶۴۰ شده‌اند و تعارض مزبور را به این شرح توضیح داده‌اند: «مطابق ماده ۲۷۸ متعهد فقط در صورتی مسئول کسر و نقصان وارد بر عین معین مورد تعهد است که کسر و نقصان مزبور از تعدی و تفریط او در مال مزبور ناشی شده باشد و هر گاه تعدی و تفریط منشأ ورود خسارت نباشد، مسئولیتی متوجه او نخواهد بود و با تسلیم آن براءت ذمه او فراهم می‌گردد، در نتیجه اگر پس از تعدی و تفریط متعهد در عین معین یادشده کسر و نقصانی حاصل گردد که منشأ دیگری غیر از تعدی و تفریط داشته باشد، او مسئول نخواهد بود. در صورتی که مطابق صریح ماده ۴۹۳، پس از تعدی و تفریط در عین مستأجره، مستأجر ضامن است، اگرچه نقص در نتیجه تفریط یا تعدی او حاصل نشده باشد، همچنین مفهوم ماده ۶۱۴ در مورد امین و ۶۳۱ در مورد متصرف مال غیر و مواد دیگر، به طور مطلق، متعهد را ضامن تلف یا نقص مال دیگری در صورت تعدی و تفریط اعلام کرده است که مستنبط از آن این است که مسئولیت متوجه او خواهد بود، اعم از اینکه منشأ نقص، تعدی یا تفریط او باشد یا خیر». (شهیدی، ۱۳۶۸: ۴۵) به عنوان مثال اگر کسی اتومبیل دیگری را برای مدتی به صورت عاریه در اختیار گیرد که فقط (مثلاً) در شهر تهران از آن استفاده نماید ولی او



تعدی کند و تا کرج برود و برگردد و هیچ‌گونه عیب و نقصی در اثر این تعدی در اتومبیل ایجاد نشود، اما بعداً در حین استفاده، در حدود اذن داده‌شده (در شهر تهران) به اتومبیل صدمه وارد و نقص فنی پیدا کند، مثلاً سیم‌پیچی اتومبیل بسوزد. با توجه به تعارض مذکور در رابطه با این مثال این سؤال مطرح می‌شود که آیا مستعیر ضامن نقص فنی ایجادشده در اتومبیل هست یا خیر؟ و بنا بر تعارض مذکور باید پاسخ داد که وفق حکم مذکور در ماده ۲۷۸ او ضامن نیست؛ زیرا نقص فنی ناشی از تعدی مستعیر نمی‌باشد، مگر اینکه برابر آن مواردی که این ماده استثنا کرده، مستعیر را ضامن بدانیم؛ مثلاً در ابتدای امر شرط کرده باشند که مستعیر ضامن است. اما مطابق مفهوم ظاهری ماده ۶۴۰ که به صورت مطلق تعدی و تفریط‌کننده را ضامن فرض نموده، باید گفت به محض تعدی انجام‌شده توسط مستعیر، ید امانی وی به ید ضمانی تبدیل و او ضامن عیب و نقص پس از تعدی نیز می‌باشد، اگرچه بعد از آن عمل، قصوری ننموده باشد.

بخش سوم: تفسیر تعارض حکم ماده ۲۷۸ ق.م با مواد مذکور

مرحوم دکتر مهدی شهیدی برای رفع تعارض مورد اشاره، دو گونه تفسیر را مطرح و در تفسیر اول با استناد به جمله «مگر در مواردی که در این قانون تصریح شده است» مذکور در ماده ۲۷۸، اصولاً متعهد را مسئول خسارات وارد بر مال که از تعدی و تفریط او ناشی نشده باشد ندانسته، مگر در مواردی نظیر ماده ۴۹۳ که در آن صریحاً مستأجر پس از تعدی و تفریط مسئول خساراتی است که ناشی از تعدی و تفریط او نبوده باشد و در موارد غیر مصرح مثل ماده ۶۱۴ و ۶۳۱ چون مقررات مربوطه امین و متصرف مال غیر را در این موارد صریحاً ضامن خسارات غیر ناشی از تعدی و تفریط معرفی نکرده مسئولیت آنان را منتفی دانسته است. و در تفسیر دوم خود، مسئولیت متعهد نسبت به خسارات وارده پس از تعدی و تفریط را مقتضای قاعده دانسته و توضیح فرموده که «تحقق تعدی و تفریط توسط متعهد در حقیقت نوعی تصرف غیر مجاز است که در حکم غضب می‌باشد و موجب سلب امانت و قطع جریان آثار آن از تصرف می‌گردد و در نتیجه احکام غضب و از جمله مسئولیت مطلق متعهد نسبت به خسارات وارده، اگرچه منشأ بروز آن خسارات عمل متصرف نباشد، بر آن حاکم می‌شود و به



این ترتیب ماده ۴۹۳ و مواد مشابه دیگر منطبق با قاعده است». ایشان با ارائه این تفسیر اخیر لازم می‌دانند که عبارت «مشروط بر اینکه کسر و نقصان از تعدی و تفریط متعهد ناشی نشده باشد» مندرج در ماده ۲۷۸ را به غیر ظاهر آن حمل و در نتیجه نوعی تسامح را در تعبیر این ماده قائل می‌شوند و نهایتاً همین تفسیر دوم را قوی‌تر می‌دانند. (شهیدی، ۱۳۶۸: صص ۴۵ و ۴۶)

بخش چهارم: نقد تفسیر مذکور و ارائه نظر در عدم وجود تعارض

به نظر می‌رسد در خصوص تعارض مطرح شده با وجود جمله روشن و صریح «مگر در مواردی که در این قانون تصریح شده است» مذکور در ماده ۲۷۸ ق.م.باید قائل به این مطلب شد که در واقع تعارضی بین این ماده از قانون مدنی با سایر موادی که مرحوم شهیدی ذکر کرده‌اند وجود ندارد، بلکه منظور قانونگذار از بیان این جمله - بدون هر گونه تسامح - اشاره به مواردی مانند ماده ۴۹۳ قانون مدنی است که تصریح دارد، مستأجری که تعدی یا تفریط کرده ضامن می‌باشد، اگرچه نقص و عیب ایجاد شده در عین مستأجره در نتیجه تعدی و تفریط او حاصل نشده باشد. ولی سایر مواد مورد اشاره از جمله ماده ۶۳۱، ۶۱۴ و ۶۴۰ به این موضوع تصریح ندارند. بنابراین همان گونه که وی نیز در تفسیر اول خود مطرح فرموده، باید پذیرفت که اصولاً متعهد مسئول خسارات وارد بر مال که از تعدی و تفریط او ناشی نشده باشد نیست مگر در مواردی نظیر ماده ۴۹۳، ۶۴۲ و ۶۴۴ که در آن به مسئولیت مستأجر و مستعیر تصریح شده که مسئول هر کسر و نقصان هستند، اگرچه کسر و نقصان مربوط به عمل آنها نباشد. با این توضیح می‌توان چنین نتیجه گرفت که قانون مدنی در عقود امانی اصل را بر این قرار داده که امین در صورتی مسئول و ضامن نقص و عیب وارده بر مال می‌باشد که آن عیب و نقص ناشی از تعدی و تفریط او باشد و لذا چنانچه در مال مورد امانت تعدی و تفریط نموده باشد، اما آن تعدی و تفریط تأثیری در عیب و نقص مال نداشته باشد ضامن آن عیب و نقص نیست. کما اینکه به نظر می‌رسد این معنا را نیز بتوان از نحوه تنظیم عبارات آخر مواد ۲۷۸ و ۶۳۱ ق.م.ب. برداشت نمود، با این شرح و توضیح که در ماده ۲۷۸ پس از بیان جمله «... مشروط بر آن که کسر و نقصان از تعدی یا تفریط متعهد ناشی نشده باشد مگر...» که خود حکمی مجزا است،



حکم دیگری را نیز به صورت مجزای از حکم قبلی بیان می‌کند و آن، حکم تأخیر در تسلیم مورد تعهد توسط متعهد پس از مطالبه متعهدله است و تصریح بر ضامن بودن او اگرچه کسر و نقصان مربوط به تقصیر شخص متعهد نباشد و به همین نحو در ماده ۶۳۱ هم بعد از بیان مسئولیت کسی که در حکم امین می‌باشد و اینکه او ضامن نیست مگر در صورت تفریط یا تعدی، حکمی جدای از حکم قبل را با همان تصریح مذکور در ماده ۲۷۸ به این صورت بیان نموده: «... و در صورت استحقاق مالک به استرداد از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد، متصرف مسئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهد بود، اگرچه مستند به فعل او نباشد». بنابراین از این نحو تنظیم عبارت و صراحت موجود در آن برداشت می‌شود که از نظر قانون مدنی متعهد امین در زمان نگهداری مال فقط در صورتی مسئول و ضامن عیب و نقص و یا تلف مال است که آن عیب و نقص و یا تلف ناشی از فعل یا ترک فعل او باشد؛ زیرا اگر منظور قانونگذار این بود که در هر حال متعهدی که تفریط و تعدی کرده، مسئول است، حتماً همانند حکم شرایط مطالبه مال و امتناع از رد، صراحتاً این مسئولیت را بیان و در این صورت، دیگر نیازی به بیان جمله «مگر در مواردی که در این قانون تصریح شده است» نبود. به علاوه به نظر می‌رسد، با وجود همین جمله «مگر در مواردی که...» نباید عبارت مذکور در موادی همانند مواد ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۸۴، ۶۱۴، ۶۳۱ و ۷۸۹ را مطلق فرض نمود، بلکه باید از موارد غیر مصرح قانون مدنی که به وسیله جمله «مگر در مواردی...» مقید شده دانست و آن را به این مضمون حمل کرد که مسئولیت نقصان مال در صورتی متوجه متعهد می‌باشد که ناشی از تقصیر او باشد. پس با این اوصاف در قانون مدنی به استثنای مواردی که تصریح شده است، در سایر مواردی غیر مصرح متعهدی که در حکم امین است (امین) اصولاً مسئول خسارات وارد بر مال که از تعدی و تفریط او ناشی نشده باشد، نیست. در این باره یکی از مؤلفین حقوقی هم می‌فرماید: «از ظاهر قانون مدنی نیز چنین برمی‌آید که در صورت قطع اذن (مطالبه مالک) وضع حقوقی مستودع دگرگون می‌شود و در حکم غاصب قرار می‌گیرد، نه از تاریخ تعدی و تفریط؛ زیرا با اینکه قانونگذار در مقام بیان مسئولیت امین بوده است، تعدی و تفریط را سبب



ضمان می‌داند و انکار امانت و خودداری از رد مال را باعث انقلاب ید امانی به ضمانی (مواد

۶۳۱، ۶۱۶ و ۳۱۰ ق.م.)». (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۴: ۵۵)

بخش پنجم: ایراد به نظریه عدم تعارض

اگر بپذیریم که قانون مدنی در عقود امانی اصل را بر این قرار داده که امین فقط در صورتی مسئول و ضامن نقص و عیب وارده بر مال است که آن نقص و عیب ناشی از تعدی و تفریط او باشد، این سؤالات نیز بروز می‌نماید که اگر عبارت ماده ۶۳۱ که «مستأجر را نسبت به عین مستأجره مثل مستودع می‌داند و بنابراین او ضامن عین مستأجره نمی‌باشد مگر در صورت تفریط یا تعدی» از موارد غیر مصرح بدانیم و نتیجتاً حکم آن را این گونه فرض کنیم که مستأجر اصولاً مسئول خسارات وارده بر عین مستأجره که از تعدی و تفریط او ناشی نشده باشد نیست، جمع بین ماده ۴۹۳ که صریحاً خلاف این حکم را بیان می‌کند با ماده ۶۳۱ چگونه ممکن خواهد بود؟ و اصولاً عقد اجاره نسبت به سایر عقود امانی چه خصوصیتی دارد که قانون مدنی در ماده ۴۹۳ این گونه برای آن حکم خاص بیان کرده است؟ در پاسخ به سؤال دوم و خصوصیت عقد اجاره باید گفت، همانطور که قبلاً اشاره شد، از ظاهر قانون مدنی و نحوه تنظیم عبارات موادی که بیان‌کننده احکام مربوط به امین در عقود امانی است، این گونه به نظر می‌رسد که نویسندگان این قانون در اصل معتقد بوده‌اند به ضمانت محدود برای امینی که در مال مورد امانت تعدی یا تفریط کرده و اگر این نظر را بپذیریم باید حداقل قائل به این مطلب باشیم که نویسندگان مذکور، با این نحو تنظیم عبارت برای مواد مورد نظر، خواسته‌اند به شکلی عمل کرده باشند که در مورد اختلافی که فقها بر سر تعدی و تفریط امین در مال مورد امانت دارند، نظر صریحی را بیان ننموده باشند. (هرچند این طرز تلقی بعید به نظر می‌رسد) در مورد تعدی و تفریط مستأجر در عین مستأجره هم، چون فقها بنا بر وجود نص تردیدی در مسئولیت نامحدود او نکرده‌اند و او را با ارتکاب به تعدی و تفریط، ضامن هر کسر و نقصانی که در عین مستأجره به وجود آید دانسته‌اند، اگرچه ناشی از فعل او نباشد، در قانون مدنی هم نویسندگان آن با تنظیم ماده ۴۹۳ و تصریح به عدم بازگشت صفت امانت زائل شده از مستأجر



متعدی یا مفراط، بدون تردید از نظر فقها متابعت نموده‌اند. بنابراین تنها خصوصیتی که می‌توان برای عقد امانی اجاره نسبت به سایر عقود امانی در نظر گرفت و همین خصوصیت را در قانون مدنی، موجب صراحت در حکم مستأجرِ امینی که قصور نموده دانست، چیزی جز وجود نص نیست. در مورد وجود نص برای اجاره و تأثیر آن در وضعیت مستأجرِ مقصر فقها گفته‌اند: «هر گاه مستأجر در عین مستأجره، تعدی کند قیمت زمان تعدی را ضامن است، اگرچه عین مستأجره در دست او امانت بوده باشد. به این دلیل که به واسطه تعدی، ید او از حالت امانی خارج می‌شود و قیمت آن را ضامن می‌گردد ولو اینکه تلف به واسطه‌ای دیگر غیر از تعدی او باشد... و این حکم بخصوصِ نص وارده در باب اجاره است و آن نص، صحیح ابی‌ولاد می‌باشد که اطلاق آن دلالت دارد بر عدم تفاوت در ضمانت مستأجر (متعدی) بین اینکه عین مستأجره به واسطه تعدی او تلف شود یا غیر از تعدی». (آشتیانی، ۱۳۴۳: ص ۲۲۶) اما در مورد سؤال اول و چگونگی جمع بین مواد ۴۹۳ و ۶۳۱ نیز با این توضیح که در فقه در ذیل عقد ودیعه اظهار شده است که بر خلاف لسان عوام که امانت را فقط مال را به ودیعه گذاشتن می‌دانند، در لسان فقها امانت اعم است از ودیعه و شامل هر عقدی می‌شود که بی تفریط و افراط ضمانت نداشته باشد (عقود امانی) مثل وکالت، اجاره و... (قزوینی، ۱۴۱۴ ق: ۲۱۷) به نظر می‌رسد منظور تدوین‌کنندگان قانون مدنی از آوردن ماده ۶۳۱ در مبحث مربوط به تعهدات امین که صدر آن مقرر داشته: «هر گاه کسی مال غیر را به عنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد،^۱ مثل مستودع است...» به نحوی بیان همان مطلب مذکور در بالا باشد که فقها به آن در ودیعه اشاره کرده‌اند، بدین صورت که خواسته‌اند مقررات مربوط به تعهدات امین در ودیعه را با ذکر جمله «... مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد مثل مستودع است...» به سایر عقود امانی که قانون مدنی به آن اشاره داشته نیز سرایت دهند، ضمن اینکه بر نظر خود در مورد محدود بودن ضمانتِ امینِ مقصر، به زمان تعدی و تفریط هم به عنوان یک حکم کلی در همه عقود امانی

^۱ برای مثال: ماده ۵۵۶ در مضاربه، ۵۸۴ در شرکت، ۷۸۹ در رهن و ...



با ذکر جمله «... ضامن نمی‌باشد مگر در صورت تفریط و تعدی ...» که آن را در مقررات مربوط به هر یک از عقود امانی متذکر شده، تأکید داشته باشند، اگرچه ماده ۴۹۳ را به خاطر وجود نص از این قاعده استثنا کرده‌اند. همچنین در این ماده بر مسئولیت نامحدود امین امتناع-کننده از رد مال مورد امانت از تاریخ مطالبه مالک که حکم آن را قبلاً در ماده ۲۷۸ بیان نموده بود مجدداً به عنوان یک حکم کلی دیگر تأکید نموده است. با این اوصاف بر این ادعا می‌توان اصرار نمود که هیچ‌گونه تعرضی بین هیچ‌یک از مواد قانون مدنی که احکام مربوط به امین و آثار تعدی و تفریط او در مال مورد امانت را بیان کرده‌اند وجود ندارد، الاً استثنایی که به خاطر وجود نص در باب اجاره و برای مستأجر مقصر قائل شده‌اند. کما اینکه مباحث آتی نیز بر قوت این ادعا خواهد افزود. لازم به توضیح است که چون مبنای عمده مسائل مطرح‌شده در این مبحث، اختلافی است که فقها و به تبع آن‌ها حقوقدانان در آثار تعدی و تفریط متعهد امین در عین مورد تعهد نموده‌اند، به منظور روشن‌تر شدن بحث ضرورتاً آثار تعدی و تفریط امین در عین مورد امانت را با مراجعه به آرا و نظرات آن بزرگواران بررسی می‌نماییم.

بخش ششم: بررسی آثار تعدی و تفریط امین در عین مورد امانت

امین مسئول تلف یا نقص مال مورد امانت نیست. قاعده استیمان مخصص قاعده علی‌الید است و تصرف امین برای او ضمان ایجاد نمی‌کند. پس اگر مال مورد ودیعه یا عاریه یا اجاره در اثر حوادث خارجی یا به وسیله اشخاص ثالث تلف شود، امین مسئولیتی ندارد. ولی این تخصیص تا جایی باقی می‌ماند که امین مرتکب تعدی و تفریط نشود، همین که امین در نگهداری مال تقصیر کرد یا به قصد تملک بر آن مسئولی شد، صفت امانت که مانع از ضمانت شده است، از بین می‌رود و از این پس او به منزله خائن است و بر حسب قاعده علی‌الید ضامن قرار می‌گیرد، اما پرسشی که در اینجا ظاهر می‌گردد این است که اگر امین از تعدی و تفریط دست کشد و دوباره به مقتضای امانت رفتار کند، آیا صفت امانت به او بازمی‌گردد و ضمانت از بین می‌رود یا همچنان مسئول است و این پشیمانی وضع حقوقی او را تغییر نمی‌دهد؟ (کاتوزیان، ۱۳۸۶: صص ۹۲ و ۹۴) به عبارت دیگر آیا وقتی امین تعدی و یا تفریط کرد و



صفت امین بودنش زائل شد آیا این صفت قابل بازگشت است یا خیر؟ آیا ید امانی وی از زمان تعدی یا تفریط تا زمانی که مال مورد امانت را به مالکش رد نکرده، همچنان ید ضمانی باقی می‌ماند؟ و هرچند او برای رعایت شرایط امین بودن تلاش کند صفت امین بودن وی برنمی‌گردد؟ و در واقع ضامن بودنش استصحاب می‌شود؟ یا اینکه فقط زمان انجام تعدی یا تفریط ضامن است و اگر پس از تعدی یا تفریط قصوری مرتکب نشد و مطابق وظیفه‌ای که برای امین معین شده، مال مورد امانت را حفظ کرد چون ذات عقد اقتضای امانی بودن را دارد، مجدداً ید وی امانی می‌گردد؟ فقها در این مسئله (بازگشت یا عدم بازگشت صفت امانت امین در وضعیتی که توصیف شد) اختلاف دارند و اکثریت ایشان نظر داده‌اند که صفت امانت چنین کسی وقتی که به واسطه تعدی یا تفریط زائل شد، دوباره بازنمی‌گردد، اگرچه بعد از آن رعایت وظایف امین را بنماید. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۴: ۵۷) به عبارت دیگر اکثریت فقها معتقد به مسئولیت نامحدود برای امین مفرط یا متعدی هستند. در این بررسی ابتدا عین نمونه‌هایی از آرای هر دو دیدگاه را جداگانه بیان می‌نماییم.

بخش هفتم: آرای فقهای که معتقد به نامحدود بودن مسئولیت امین مقصر می-

باشند

محقق حلی در کتاب الودیعه «شرایع الاسلام» می‌فرماید: «هر گاه مستودع و دیعه را بعد از تفریط به محل نگهداریش برگرداند، بری از ضمان نمی‌شود (ید امانی او که به واسطه تفریط به ید ضمانی تبدیل شده، با برگرداند مال مورد و دیعه به محل حفظ و نگهداری آن مجدداً امانی نمی‌شود) و اگر مالک مجدداً مال را نزد او به امانت بسپارد بری از ضمان می‌شود».^۱ (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲: ۱۳۳) ایشان در مختصر النافع می‌فرمایند: «ودیعه نزد مستودع امانت است، بنابراین ضامن آن نیست مگر در صورت تفریط یا تعدی و اگر مستودع مال مورد و دیعه را به محل نگهداری آن بازگرداند (دست از تعدی و تفریط بردارد) از ضمان حاصل - شده به واسطه تعدی و تفریط مبری نمی‌شود و همین‌گونه است (یعنی از ضمان بری نمی‌شود)

^۱ عبارت چنین است: «إذا أعاد الودیعه بعد التفریط الی الحرز، لم یبرأ و لو جلد المالك له الاستیمان برأ».





اگر مثل مالی را که در دست او به واسطه تعدی و تفریط تلف شده، به محل نگهداری آن بازگرداند.^۱ (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق: ۱۵) در لمعه و شرح آن آمده: «مستودعی که مورد ودیعه را از محل حفظ و نگهداری خارج کرده، یعنی تعدی نموده یا در حفظ آن کوتاهی کرده، مثلاً در جای بدون قفل و بست و مانند آن رها نموده، اگر مورد ودیعه را به محل حفظ آن برگرداند یا در جای قفل و بست‌دار، قرار دهد، از ضمان بری نمی‌شود (صفت امین بودن او به واسطه تعدی یا تفریطی که انجام داده است، زائل و دیگر بازنمی‌گردد) زیرا او به محض تعدی یا تفریط کردن در حکم غاصب قرار می‌گیرد و حکم ضمان او استصحاب می‌شود، تا اینکه از جانب مالک، آنچه که اقتضای برطرف کردن ضمانت از او است حاصل شود، مثل اینکه مورد ودیعه را به او بازگرداند (و یا) سپس به صورتی دیگر غیر از رد مال (در حالی که مال نزد او است) تجدید عقد ودیعه یا تجدید امانت‌سپاری کند، مثل اینکه به او بگوید مال را نزد تو به ودیعه می‌گذارم یا به امانت به تو می‌سپارم و مانند آن...»^۲ (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۳۸۸) در تحریر الوسیله هم آمده: «اگر مستودع در مال مورد ودیعه تفریط کرد و سپس از تفریط خود رجوع نمود، به این صورت که مال مورد ودیعه را در محل حفظ و نگهداری قرار داد و آنچه را که برای حفظ مال مورد ودیعه لازم است انجام داد یا در نگهداری مال مورد امانت تعدی و سپس از تعدی رجوع نمود، مانند اینکه لباسی را که به صورت امانت نزدش بوده پوشد و سپس آن را از تن خود خارج کند، در این حالت (که ید او به واسطه تفریط و تعدی به ید ضمانی تبدیل شده است با وجود رجوع از تفریط و تعدی) ضمان او بری نمی‌گردد (صفت امانت که در اثر عدم رعایت وظایف امین زائل شده، با رعایت مجدد این وظایف بازگشت نمی‌کند) البته اگر مالک، عقد ودیعه را پس از اینکه در اثر تفریط و تعدی فسخ شده با او

^۱ عبارت چنین است: «الودیعه امانة لا یضمنها المستودع الا مع التفریط او العدوان. و لا یبرأ الی الحرز و کذا لو تلفت فی یده یتعد او تفریط فرداً مثلها الی الحرز».

^۲ عبارت این چنین است: «و (لا یبرأ) المستودع (باعادتها الی الحرز لو تعدی) فخرجه منهُ (او فرط) بترکه غیر مقل ثم قفله و نحوه، لانه صار بمنزلة الغاصب، فیستصحب حکم الضمان الی ان یحصل من المالك ما یقتضی زواله برده علیه ثم یجدد له الودیعه او یجدد له الاستئمان بغیر رد کأن یقول له او دعتکها او استأمتکک علیها و نحوه علی الاقوی».

تجدید کند، ضمان مرتفع (و مجدداً امین می شود) این وضعیت مثل وضعیتی است که مالی در دست غاصب باشد و مالک آن مال را نزد غاصب به عنوان امانت قرار دهد.^۱ (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۱: ص ۶۰۳)

بخش هشتم: آرای فقهای که معتقد به محدود بودن مسئولیت امین مقصر می- باشند

مقدس اردبیلی در شرح ارشاد در باب ودیعه و درباره حفظ مال مورد ودیعه توسط مستودع از قول صاحب تذکره گفته است: «برای مستودع واجب است تکیه کند بر آنچه که مالک در جهت چگونگی حفظ مال مورد ودیعه امر کرده، بنابراین هر گاه مالک روش مخصوصی را برای حفظ مال دستور داده و مستودع از آن عدول و به صورتی دیگر آن مال را نگهداری نمود و مال تلف شد، اگر تلف به سبب عدول از دستور مالک باشد، ضامن است و مخالفت با اوامر صاحب مال تقصیر محسوب می شود...» ایشان در ادامه بحث مشروح خود و پس از نقل اخباری در مورد عدم ضمان مستودع بدون تعدی و تفریط و اینکه مخالفتی با این حکم (ضمان مستودع مقصر و عدم بازگشت صفت امانت پس از رجوع از تقصیر) ظاهر نگردیده و بلکه در این باره علما اجماع کرده اند، می فرماید: «و بالجمله ظاهر الادله یقظی عدم الضمان الاً بالتلف، فی صوره المخالفه ایضاً بسببها، و آنها تعود امانه، اذا عادت الی ما امر به، الاً ما ثبت الخروج عنه، مثل الانکار ثم الاقرار و...» (اردبیلی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۲۸۰ تا ۲۸۳) یعنی اجمالاً ظاهر ادله عدم ضمان مستودع را اقتضا می کند مگر به واسطه تلف مال مورد ودیعه در صورت مخالفت با اوامر مالک و همچنین به واسطه وجود سبب ضمان و (اما ظاهر ادله نیز اقتضا می کند) اینکه صفت امانت مستودع وقتی که به آنچه که مالک به او امر کرده رجوع کند (عمل کند) بازمی گردد، مگر در صورتی که خروج او از امانت ثابت شده باشد؛ مانند اینکه ابتدا وجود مال مورد امانت را انکار کند و بعداً به آن اقرار نماید ...

^۱ عبارت این چنین است: «لو فرط فی الودیعه ثم رجع عن تفریطه بأن جعلها فی الحرز المضبوط و قام بما یوجب حفظها او تعدی ثم رجع کما اذا لبس الثوب ثم نزع لم یبرأ من الضمان، نعم لو جدد المالك معه عقد الودیعه بعد فسخ الاول ارتفع الضمان، فهو مثل ما اذا كان مال ید الغاصب فجعله امانه عنده».





صاحب تحریر المجله در بیان آثار تعدی و تفریط در ودیعه و یا انکار آن، توسط مستودع، بازگشت صفت امانت وی را بعد از رجوع از تعدی یا تفریط و اعتراف به مال مورد امانت پس از انکار، از نظر قواعد قوی‌تر می‌داند و می‌فرماید: «البته شکی در این حکم نیست که اگر مستودع ودیعه را انکار کرد از امانت خارج می‌شود و مطلقاً مورد امانت را ضامن می‌گردد و اگر از انکار خود رجوع و اعتراف به وجود آن نزد خود نمود، این سؤال مطرح است که آیا صفت امانت او بازمی‌گردد و ضامن مال مورد ودیعه نمی‌باشد اگر در آن حال به واسطه آفات سماوی تلف شود؟ یا صفت امانت او بازمی‌گردد و مستودع مطلقاً ضامن باقی می‌ماند؟» ایشان پس از طرح این سؤال می‌گوید: «مسئله‌ای است در نهایت دشواری و سپس اضافه می‌کند: (اما) قول اول (یعنی اینکه پس از رجوع مستودع از انکار و اعتراف به وجود مال، صفت امانت او بازمی‌گردد) از نظر قواعد نزدیک‌تر به واقع است^۱ و ... (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۲: ۲۵) صاحب «المروه» هم در کتاب المضاربه در بیان تکلیف عامل مضاربه که نسبت به مال المضاربه امین است، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا عامل امینی که در مال المضاربه تعدی یا خیانت کرده و صفت امانتش زائل شده، وقتی که از تعدی و خیانت رجوع کند، ضامن او باقی می‌ماند یا خیر؟ و در پاسخ دو وجه را مطرح کرده و می‌گوید همان‌گونه که در باب ودیعه ذکر کرده‌اند، اقتضای استصحاب باقی بودن ضمانت عامل امین مقصر پشیمان از قصور و خیانت است، اما این وجه را خالی از اشکال نمی‌داند؛ زیرا که در این حالت بقای اذن مالک مفروض است و بنابراین سبب ضمان مرتفع.^۲ (یزدی، [بی تا]، ج ۲: ۲۹۴)

بخش نهم: اختلاف نظر مؤلفین محترم حقوقی

^۱ عبارت ایشان این چنین است: «نعم لا ريب في انه لو انر الوديعة خرج عن الامانية و ضمن مطلقاً، ولو رجع الى الاعتراف فهل ترجع صفة الامانة فلا يضمن لو تلفت بتلك الحال تلفاً سماوياً او لا ترجع يبقی الضمان على اطلاقه؟ المسألة في غاية الاشكال و الاول اقرب من حيث القواعد...»

^۲ عبارت ایشان این گونه است: «العامل امين فلا يضمن الا بالخيانة ... او التفریط بترك الحفظ و التعدی بان خالف ما امری به او نهاه عنه ... و الظاهر ضمانة الخسارة الحاصلة بعد ذلك ايضاً، و اذا رجع عن تعدیه او خيانته فهل يبقی الضمان او لا؟ وجهها، مقتضى الاستصحاب بقاءه كما ذكروا في باب الوديعة انه لو اخرجها الودعي عن الحرز بقى الضمان و ان ردّها بعد ذلك اليه، ولكن لا يخلو عن اشكال لان المفروض بقاء الاذن و ارتفاع سبب الضمان...»

به تبع فقها بعضی از اساتید حقوق هم در این رابطه اختلاف نظر دارند. مرحوم مصطفی عدل صفت امانت‌امین که در اثر تعدی و تفریط در مال مورد امانت، زائل گردیده و بنابراین ید امانی او به ید ضمانی تبدیل شده را قابل بازگشت نمی‌داند. ایشان در ودیعه گفته است: «در هر حال و به طوری که قبلاً گفته شد، مسئولیت امین نسبت به حفظ ودیعه مسئولیت محدود بوده و امین ضامن نخواهد بود، مگر در صورت تفریط یا تعدی. لیکن به محض اینکه امین مرتکب تفریط یا تعدی شد، ضمان او ضمان مطلق و نامحدود می‌گردد و بنابراین مسئول هر عیب و نقصی خواهد بود که در مال ودیعه حادث شده باشد، اگرچه مستند به فعل او نباشد». (عدل، ۱۳۳۹: ص ۳۹۳) ایشان همین نظر را به بعضی از عقود امانی مثل عاریه و اجاره نیز سرایت داده و تصریح بر عدم رفع مسئولیت مستعیر و مستأجر مقصر با وجود دست کشیدن از تعدی و تفریط نموده، ولی در برخی دیگر از این عقود مانند شرکت و مضاربه به این نوع مسئولیت تصریح نکرده است. (عدل، ۱۳۳۹: ۴۰۳ و ۴۰۴) همانند نظر ایشان را مرحوم دکتر امامی هم قائل شده و در ودیعه گفته است: «مستودع ضامن تلف و نقصی که در مدت امانت در مال ودعی به وجود آید نیست، مگر آنکه تعدی و تفریط نموده باشد و چنانچه مستودع تعدی و یا تفریط نماید، از همان تاریخ، ید امانی و غیر ضمانی او به ید غیر امانی و ضمانی تبدیل می‌گردد و نسبت به هر تلف و نقصی که در آن حاصل شود، ضامن است، اگرچه ناشی از تعدی و تفریط او نباشد». (امامی، ۱۳۷۰، ج ۲: ص ۱۷۱) ایشان هم این نظر را به بعضی از عقود امانی مانند اجاره، عاریه و مزارعه سرایت داده و بر ضامن شدن امین متعدی یا مفراط و عدم بازگشت این صفت در صورت خودداری او از تعدی یا تفریط در عقود مذکور تصریح کرده است، اما در عقود دیگر مانند مضاربه، شرکت، وکالت و رهن، عدم بازگشت صفت امانت‌امین مقصر را تصریح ننموده است. (امامی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۶، ۷۶، ۱۱۰، ۱۳۵، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۲۵، ۳۴۷ و ۳۷۱) اما مرحوم کاتوزیان خلاف نظر اساتید مذکور را معتقدند، ایشان در بیان اختلاف نظر فقها در مورد بازگشت یا عدم بازگشت صفت امانت‌امینی که در مال مورد امانت تعدی یا تفریط کرده و پس از تعدی و تفریط مجدداً همانند امین عمل نموده، می‌فرماید: «اکثریت قاطع فقیهان امامیه نظر داده‌اند که صفت امانت (وی) زائل می‌شود و دوباره بازمی‌-





گردد و دلیل مهم نظر فقیهان این است که با تعدی و تفریط صفت امانت از بین می‌رود و چون تردید شود که آیا با اقدام دوبارهٔ امین بازمی‌گردد؟ اصل بقای حالت ضمان امین است». آنگاه در ادامه نظر خود را این‌گونه بیان می‌نماید: «این گفته را با همه شهرتی که بین نویسندگان دارد، نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا تعدی و تفریط امین باعث انحلال عقد ودیعه نمی‌شود و بقای عقد به معنی بقای اذن مالک است. از سوی دیگر می‌دانیم که آنچه سبب امانت است و تصرف امین را از غاصب ممتاز می‌سازد «اذن مالک» است. بی‌گمان هیچ مالکی راضی به تعدی و تفریط امین نیست، پس در حالی که او به تجاوز و تقصیر مشغول است، نباید از آثار «اذن» بهره‌مند شود. به بیان دیگر، تعدی و تفریط حائلی در راه نفوذ اذن ایجاد می‌کند که مانع از ایجاد اثر آن می‌شود. لیکن هر گاه این مانع از بین رود، چرا منع زاینده امانت (اذن) نتواند دوباره کارگزار شود و صفت امانت را به مستودع بازگرداند؟ به اضافه، مستودع پس از پشیمانی از تقصیر پیشین و اقدام به نگهداری مال در حال «احسان» است و این عنوان مانع از آن می‌شود که بتوان او را ضامن و در ذمهٔ غاصبان درآورد». (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۴: صص ۵۸ و ۵۷) مرحوم حائری نیز در شرح ماده ۶۱۴ ق.م. در باب ودیعه گفته‌اند: «کراراً اشاره شد که ضمانت امین در صورت تلف یا نقصان مال منحصراً در موردی است که تلف یا نقصان مستند به تعدی یا تفریط او باشد» (حائری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۵۵۴) اگرچه در اجاره و در شرح ماده ۴۹۳ ق.م. فرموده‌اند: «در صورت تعدی و تفریط که مستأجر ضامن خواهد بود فرق نمی‌کند که تلف عین در نتیجهٔ تعدی حاصل شود و یا موجب تلف، غیر از تعدی باشد». (حائری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۵۱)

نتیجه‌گیری

از بررسی آرا و نظرات فقها و حقوقدانان در مورد بازگشت یا عدم بازگشت صفت امانت امینی که در اثر تعدی یا تفریط ضامن مال مورد امانت شده ولی از تعدی و تفریط دست کشیده و مجدداً همانند امین عمل نموده، این نتیجه به دست می‌آید که در مجموع در این موضوع از جانب ایشان سه گونه نظر متفاوت ارائه شده است: یک نظر، نظر کسانی است که

معتقد نیستند به بازگشت صفت امانت چنین کسی. ایشان نظر خود را در عقد ودیعه که مقتضای آن امانت محض است مطرح نموده‌اند و این دیدگاه را در تمامی عقود امانی جاری می‌دانند. نظر دوم، نظر کسانی است که معتقد به بازگشت صفت امانت چنین کسی هستند و این نظر را در همه عقود امانی حتی در ودیعه و از آن مهم‌تر در اجاره که برای تبدیل ید امانی مستأجر مقصر به ید ضمانی نامحدود نص وجود دارد، نیز جاری می‌دانند.^۱ شاید توان گفت که نظریه دوم مبتنی بر این قاعده فقهی است که می‌گوید: «اذا زال المانع عاد الممنوع» و نظر سوم، نظر کسانی است که بازگشت یا عدم بازگشت صفت امانت امین مقصر بعد از دست کشیدن از قصور را منوط به نوع عقد امانی می‌دانند و در همین دیدگاه نیز اختلاف نظر دارند. (از این جهت که در کدامیک از عقود امانی، قابل بازگشت است و در کدامیک قابل بازگشت نیست) مثلاً مرحوم کاشف الغطاء (ره) که در ودیعه بازگشت صفت امانت به مستودع مقصر نادم را از نظر قواعد قوی‌تر می‌داند، در ادامه بحث خود قضیه امینی را که پس از تعدی در امانت از عمل خود پشیمان شده و مثلاً بدل نقودی که نزدش امانت بوده و در امور خود بدون اذن مالک مصرف کرده را به محل نگهداری آن برگردانده و اینکه آیا چنین کسی ضامن است، به خاطر رفع صفت امانت از او، یا اینکه ضامن نیست چون بدلش را اعاده کرده و در محل نگهداری آن قرار داده، قضیه‌ای مشکل می‌داند و تحقیق در آن را منوط می‌کند به اینکه بدانیم امانات بر سه نوع هستند: نوع اول آن اماناتی هستند که قبضش فقط به خاطر مصلحت مالک است مانند ودیعه و وکیل بدون اجرت، در این نوع امانت چون ید قابض همانند ید

^۱ مرحوم کاتوزیان که معتقد به بازگشت صفت امانت امین مقصر، پس از دست کشیدن از قصور می‌باشد در مورد ماده ۴۹۳ و ضمانت نامحدود و مستأجر پس از تعدی و تفریط که در این ماده مذکور است می‌فرماید: «این ماده را باید تفسیر محدود کرد و آن را مخصوص به موردی دانست که مستأجر یا امین در حال تعدی و تفریط است». (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۴: ۵۸). ایشان در جایی دیگر در همین رابطه می‌گویند: «پذیرفتن این نظر که (پشیمانی امین مسئولیت او را از بین نمی‌برد و ید او را امانی نمی‌کند) دشوار است؛ زیرا تعدی و تفریط مستأجر عقد اجاره را بر هم نمی‌زند و اذن مالک را از بین نمی‌برد، مستأجر تا زمانی که عقد فسخ نشده، همچنان امین مالک است و تنها در صورت تقصیر ضامن تلف مورد اجاره به شمار می‌آید. به حکم قانون در زمان تقصیر با مستأجر مانند غاصب رفتار می‌شود، ولی این حکم استثنائی را (که مانع نقوذ اذن مالک است) باید محدود به موردی ساخت که تقصیر ادامه دارد». (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۴: ۴۱۳)



مالک می‌باشد و بنابراین قابض محسن و امین است، بر مبنای قاعده احسان (ما علی المحسنین من سیل) ضمانت او را بعد از دست کشیدن از تعدی یا تفریط منتفی و صفت امانت وی را قابل بازگشت می‌داند. نوع دوم آن اماناتی است که صرفاً برای مصلحت قابض به امانت داده شده است، مثل عاریه، در این نوع از امانات اگر امین خیانت کند و سپس از خیانت خود دست بردارد صفت امانت او بازمی‌گردد؛ زیرا او در اثر خیانت در امانت همانند غاصب می‌باشد و سببی هم برای بازگشت صفت امانت او وجود ندارد. سوم آن نوع امانات است که قبض آن در جهت مصلحت طرفین می‌باشد، مانند اجاره، مضاربه، وکالت با اجرت و .. ایشان در این دسته از امانات می‌فرماید: «هر گاه امین در مال مورد امانت تعدی کند و سپس از تعدی خود دست بردارد و رعایت وظایف امین را بنماید، اینکه آیا چنین کسی ضامن است زیرا همانند غاصب می‌باشد یا اینکه امین است چون دست از تعدی برداشته را مسئله بسیار مشکل می‌داند و ضمن اینکه معتقد است تا آنجایی که تحقیق کرده هیچ‌یک از فقها حتی فقهای غیر امامیه این گونه که ایشان امانت را تقسیم‌بندی کرده، عمل نکرده‌اند، می‌گوید اگر امین ادعای سرقت یا رد یا نقص در امانات نوع سوم را یکند، الزام می‌شود به اثبات آن ادعا و قول او با قسم پذیرفته نمی‌شود، بلکه در اینجا قول، قول مالک است و قول امین قبول نمی‌شود، مگر در امانات قسم اول، که در آنجا محسن و امین است». (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۲: ۳۲ تا ۳۴) در فقه حنبلی هم، در ودیعه که مقتضای آن امانت محض است، عقد را در اثر تعدی منحل شده می‌دانند، ولی عقود را که امانت در آن جنبه فرعی دارد (مانند وکالت)، می‌گویند در اثر تعدی عقد برهم نمی‌خورد امامی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۷۱، ۳۶، ۱۸۹، ۱۹۰) علاوه بر این نمونه‌ها به نظر می‌رسد مرحوم امامی هم در مورد عقود امانی به دسته‌بندی خاصی معتقد بوده است. زیرا ایشان علاوه بر اینکه در عقد ودیعه تصریح به تبدیل ید امانی امین مقصر به ید ضمانتی به صورت نامحدود و مطلق دارد، در اجاره، عاریه و مزارعه نیز تصریح نموده است که «اگر امین تعدی یا تفریط در مال مورد امانت کرد از تاریخ شروع به تعدی و یا تفریط مسئول تلف و هر نقص و عیب خواهد بود اگرچه تلف یا نقص و عیب در اثر تعدی و تفریط عامل نباشد امامی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۷۱، ۳۶، ۱۸۹، ۱۹۰) اما این تصریح را در سایر عقود امانی ندارد. ایشان در این عقود مسئولیت



امین را که نسبت به مال مورد امانت ضامن نیست مطرح و در بیان استثنای تعدی یا تفریط از سوی او فقط به ذکر جمله «مگر در صورت تعدی یا تفریط» اکتفا نموده است. (امامی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۳۵، ۲۲۵، ۳۴۷ و ۳۷۱). در پایان این بررسی و با در نظر گرفتن مسائل و موارد مطرح شده در موارد قبلی همین بند، در ارتباط با دیدگاه قانون مدنی نسبت به عقود امانی و مسئولیت امین، می‌توان بر این نظر مجدداً تأکید نمود که از مقایسه عبارات مواد بیان‌کننده مسئولیت امین نسبت به مال مورد امانت در قانون مدنی با نظرات و آرای فقها و حقوقدانان در این باره، برداشت می‌شود که نویسندگان قانون مدنی به جز در اجاره که از نص وارده تبعیت نموده‌اند، در سایر موارد به مسئولیت محدود و مقید امین مقصر معتقد بوده‌اند و در واقع با اندکی تفاوت، نظری همانند نظر دوم را مبنای کار خود قرار داده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

الف) فارسی:

۱. امامی، سید حسن (۱۳۷۰) حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ هشتم.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲) حقوق تعهدات، ج ۱، دوره ۲ جلدی، تهران: ناشر مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
۳. حائری، سید علی (۱۳۷۶) شرح قانون مدنی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
۴. شهیدی، مهدی (۱۳۶۸) سقوط تعهدات. تهران: ناشر مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶) الزام های خارج از قرارداد (غصب و استیفاء). انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴) دوره عقود معین حقوق مدنی، دوره چهار جلدی، تهران: انتشارات سهامی انتشار، چاپ نهم.

ب) عربی:

۱. آشتیانی، محمود (۱۳۴۳ق) شرح کتاب الاجاره من الشرايع. تهران: چاپخانه بهمن، ص ۲۲۶.
۲. آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹ق) تحرير المجله الاحکام. قم: مطبوعات مکتبه النجاشی طهران و مکتبه الفيروزآبادی.
۳. حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق حلی) (۱۴۰۸) شرايع الاسلام، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، دوره چهار جلدی، چاپ دوم.



٤. حلى، ابوالقاسم نجم الدين جعفر بن الحسن (محقق حلى) (١٤٠٨) مختصر النافع. قم: ناشر دارالكتاب العربى بمصر، چاپ اول.
٥. طباطبايى يزدى، سيد محمد كاظم ، {بى تا} العروه، بيروت: ناشر مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.
٦. العاملى، زين الدين بن احمد الشافى (شهيد ثانى) (١٤١٦ ق) الروضة البهيه فى شرح اللمعه الدمشقيه. قم: ناشر مكتب الاعلام الاسلامى، چاپ هفتم.
٧. قزوينى، على (١٤١٤ ق) صيغ العقود و الايقاعات قم: ناشر انتشارات شكورى، چاپ اول، ص ٢١٧.
٨. مقدس اردبيلى، (١٤١٦ق) احمد. شرح ارشاد الاذهان قم: ناشر مؤسسه النشر الاسلامى، چاپ دوم
٩. موسى الخمينى، سيد روح الله (١٣٦٦) تحرير الوسيله قم: ناشر مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ دوم.
١٠. موسى الخمينى، سيد روح الله (١٤١٥ق) كتاب البيع قم: ناشر مؤسسه النشر الاسلامى، چاپ پنجم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی